

تحول و تنوع مفهوم سیادت در عصر صفویه

سید هاشم آقاجری^۱

حسن الهیاری^۲

چکیده: سادات از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در تاریخ اسلام هستند، گرچه در رویکرد به مفهوم سیادت در ادوار مختلف، شاهد تغییراتی هستیم. در دوره صفویه نیز، مفهوم و مصداق سیادت از چالش‌های نظری مؤثر بر واقعیت‌های آن عصر به‌شمار می‌رود. در این پژوهش، گستره مفهومی سیادت (هاشمی، طالبی، علوی...) و نحوه انتساب سیادت (پدری، مادری) براساس تحلیل مفهومی و متنی منابع مختلف، مورد بررسی قرار گرفته تا تعریفی کامل از مفهوم سید و سیادت در این دوره به‌دست آید.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، هرچند درباب مفهوم سیادت و نحوه انتساب آن، در منابع قهقی، حدیثی، جدلی و نسب‌نامه‌نگاری عصر صفوی با دیدگاه‌های متنوعی روبه‌رو هستیم، اما دقت در منابع تاریخی این عصر نشان می‌دهد؛ مفهوم سیادت در این دوره با تعریف سیادت فاطمی انطباق داشته است.

واژه‌های کلیدی: سیادت، دوره صفویه، سادات فاطمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس h_aghajari@yahoo.com
۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس hasanallahyari@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۰، تاریخ تأیید: ۹۰/۹/۵

The Evolution and diversity of the Concept of Siyadat During Safavid Period

Hashem Aghajari¹

Hasan Allahyari²

Abstract: Sadat are considered as the most important social groups in the history of Islam. However, the very notion of Siyadat has encountered various changes during different ages. There have been theoretical challenges concerning this concept in the Safavid era. In this research, the conceptual range of Siyadat (Hashemi, Talebi, Alavi) and also the way of relating Siyadat (patronymic, matrilineal) has been investigated in order to achieve an exact definition of the concept of Siyadat.

Studies show although we have faced different viewpoints concerning the concept of Siyadat and the way of relating it in the juridical, anecdotal and argumentative sources as well as genealogy in Safavid period, the accurate attention in the historical sources of this age shows that this concept is meant Sadat-e- Fatemi.

Key words: Sadat, Safavid era, Sadat-e- Fatemi

1 Assistant professor of History, Tarbiat Modares University

2 PhD student of History , Tarbiat Modares University

مقدمه

پس از برآمدن اسلام، شاهد شکل‌گیری گروهی اجتماعی هستیم که به نوعی در جامعه، متمایزند. این گروه که در تاریخ اسلام و منابع گوناگون، سادات نامیده می‌شوند، بر اساس اتصال نسب به خاندان پیامبر (بنی هاشم)، خود را متمایز از جامعه و دارای نوعی تشخص می‌دانند. اطلاق عناوینی چون هاشمی، طالبی، علوی، شریف و ... خود، بیانگر تحولاتی است که در ادوار مختلف در باب مفهوم سیادت ایجاد شده است.

دوره صفویه برای سادات، دوره‌ای خاص و ویژه در تاریخ ایران است. علل این امر را، هم باید در تغییر رویکرد مذهبی حکومت صفوی - در مقایسه با حکومت‌های قبل از آن - دانست که در پی رسمیت بخشی به مذهب تشیع بودند و هم باید در این مساله جستجو کرد که صفویان، خود نیز مدعی سیادت بوده، خود را از نسل امام موسی کاظم^(ع) قلمداد می‌کردند. در واقع در این دوره، سادات در متن تفکری شیعی و حکومتی مدعی سیادت، طرف توجه واقع شدند.

آنچه می‌توان در متون این دوره پیگیری کرد، آن است که گروه اجتماعی فوق، تحت عنوان سید و گاهی با عنوان میر، امیر و به ندرت میرزا مطرح می‌شوند. اما مساله‌ی قابل بررسی، تعریف سید در این دوره است و این که عنوان سیادت به چه کسانی تعلق می‌گرفت؟ آیا لفظ سید در این دوره به معنای عموم بنی هاشم است یا به معنای فرزندان ابوطالب (طالبی) و یا به معنای فرزندان علی^(ع) (علوی)؟ گذشته از آن، آیا همه‌ی دیدگاه‌ها، انتساب را از جانب پدر می‌دانند یا انتساب از ناحیه‌ی مادر را نیز می‌پذیرند؟

لذا سوال اصلی این تحقیق را می‌توان چنین بیان کرد:

در دوره صفویه مبنای تعیین، گستره‌ی مفهومی و نحوه‌ی انتساب سیادت چه بود و چه تحولی نسبت به دوران پیشا صفوی داشت؟

در این تحقیق، منابع فقهی، حدیثی، جدلی و نسب‌نگاری عصر صفوی، به عنوان متون اصلی مرتبط با موضوع سیادت و متون تاریخی که انعکاس دهنده‌ی وضع موجود آن دوره‌اند، براساس روش تحلیل تاریخی مفهومی و متنی^۱، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند تا تحول و تنوع مفهوم سیادت در این دوره به تصویر کشیده شود. هدف نهایی این پژوهش، دستیابی به تعریفی از سید و سیادت منطبق بر واقعیت‌های دوره‌ی صفویه می‌باشد.

سابقه‌ی مفهوم سید و مصداق سیادت، در دوره‌ی قبل از صفویه

مفهوم سیادت را نمی‌توان مستقل از ابعاد مختلف حیات اجتماعی هر عصر و دوره، در نظر گرفت. با توجه به آن که سیادت، مفهومی است که بر اعضای یک قبیله به نام بنی هاشم اطلاق می‌شده است، می‌توان قبل از برآمدن صفویان، سه دوره را براساس متغیرهایی چون هویت‌یابی، مخالفت یا موافقت با حکومت وقت و نحوه‌ی پراکندگی سادات بازشناسی کرد؛

۱. از ظهور اسلام تا پایان دوره‌ی اموی

۲. از تاسیس حکومت عباسی تا سقوط بغداد

۳. از حمله‌ی مغول تا تاسیس دولت صفوی

به نظر می‌رسد در دوره‌ی اول، به‌خاطر اختلافات قبیله‌ای دیرپا میان بنی امیه و بنی هاشم، همه‌ی سادات، دارای هویتی واحد به نام هاشمیان بوده‌اند، لذا در این دوره سیادت مترادف با هاشمی است.

در دوره‌ی دوم، یعنی پس از امویان، گروهی از بنی هاشم به نام عباسیان، به حاکمیت سیاسی دست یافتند و گروه‌های دیگر بنی هاشم، بنا به عللی که محققان آنرا بررسی کرده‌اند، به عنوان گروهی مخالف در مقابل حکومت قرار گرفتند. همین مساله، مفهوم سیادت را در قالبی جدیدتر و محدودتر و تحت عنوان طالبین، یعنی بنی هاشم منهای فرزندان عباس، قرار داد. البته این قالب جدید، بسته به فراز و نشیب‌های سیاسی-اجتماعی عصر عباسی، خود نیز دچار تغییراتی شد.

در دوره‌ی سوم و پس از سقوط بغداد و استقرار مغولان در ایران، سادات، جایگاهی متفاوت یافتند. این مساله را در راستای سقوط عباسیان- به عنوان گروه مقابل سادات- و توجه ویژه‌ی ایلخانان، تیموریان و سایر حکومت‌های محلی ایران به سادات، تا پیش از تاسیس حکومت صفوی، می‌توان بررسی کرد. این مسایل، به‌علاوه‌ی حضور عمده‌ی سادات علوی در مرکزیت سیاسی مغولان و ایلخانان و تیموریان ایران، باعث شد سیادت در مفهومی جدید، به نام علوی نزدیک شود.

نگاهی به ابواب خمس و زکات در متون فقهی و حدیثی و توجه به صفات مستحقین خمس یا زکات در متون پیشا صفوی و دقت در متون نسب‌نگاری این ادوار، می‌تواند دورنمایی از مطالب فوق به تصویر کشد. به‌عنوان نمونه؛ دیدگاه شیخ صدوق (و. ۵۳۸۱)، محقق حلی (و. ۵۶۷۶) و شهید اول (و. ۷۸۶هـ) برهم منطبق است و همگی آنان، سادات را همان بنی هاشم

فرض می‌کنند.^۱ در این میان شیخ طوسی (و. ۵۴۶۰ه) و شیخ مفید (و. ۵۴۱۳ه)، ضمن اعلام همان موضع قبل، بر طالبین تأکیدی ویژه دارند.^۲ تنها شریف مرتضی در قرن ۴ ه، ضمن پذیرش انطباق سید و هاشمی، سیادت را نه تنها از جانب پدر، که از جانب مادر نیز درست می‌داند.^۳ بیان همین مساله از سوی منابع به عنوان دیدگاهی خاص، گویای آن است که منابع پیشین، تنها انتساب پدری را مدنظر داشته‌اند. البته در قرن هشتم هم، شهید اول در اشاره‌ای کوتاه، در باب مستحقین خمس، سادات از نسل حضرت فاطمه^(س) را بر دیگران ترجیح می‌دهد.^۴

در همین دوران، متون نسب‌نگاری به شکل روشن‌تر و واقعی‌تری، تحدید تدریجی سیادت را به تصویر می‌کشند. از جمله‌ی این کتب می‌توان به المجدی فی انساب الطالبین اثر ابن صوفی (و. ۵۴۶۰ه)، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه، اثر فخر رازی (و. ۵۶۰۶ه)، الفخری فی انساب الطالبین، تألیف اسماعیل مروزی (و. ۵۶۱۴ه) و الاصلی فی انساب الطالبین، تألیف ابن طقطقی (و. ۵۷۰۹ه) و ... اشاره کرد. همان‌طور که از عنوان‌ها پیداست، همه‌ی این کتب در باب انساب اولاد ابوطالب نوشته شده‌اند. در تمام این کتب، ابتدا به طور مفصل به فرزندان پسری امام علی^(ع) از جانب حضرت فاطمه^(س) پرداخته‌اند. پس از آن، به شجره‌ی دیگر پسران حضرت علی^(ع) پرداخته شده است. در نهایت، در همه‌ی این منابع، نه چندان به تفصیل قبل، به اولاد دیگر ابوطالب توجه شده است. در واقع در این منابع، اولاً سادات به نسل ابوطالب محدود شده‌اند. دوم این‌که، شاهد شکل‌گیری تدریجی ترجیح سادات بنی فاطمه هستیم.^۵ در واقع در قرون منتهی به برآمدن صفویان، شاهد بروز مسایلی در حوزه‌ی سیاست و اجتماع هستیم که توانسته‌اند

۱ محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۱۴۱۵ق) / المقتنع، قم: موسسه‌ی امام هادی، ص ۱۷۶؛ جعفر بن حسن محقق حلی (۱۳۵۸) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ترجمه‌ی ابوالقاسم بن احمد یزدی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۳۴۸؛ محمد بن جمال الدین مکی عاملی (شهید اول) [ابی تا] البیان، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه، ص ۲۱۹.

۲ محمد بن حسین طوسی (۱۴۰۰ق) / الاقتصاد، تهران: منشورات مکتبه جامع چهلستون، صص ۲۸۲-۲۸۳؛ ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (۱۴۱۰ق) / المقتنع، قم: موسسه‌ی النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ص ۲۴۳. به نظر می‌رسد این تفاوت نظر و انطباق آن با منابع نسب‌نگاری که در مطالب پیش رو خواهد آمد، ناشی از فضای جدید سیاسی- اجتماعی باشد که در همین دوران با تشکیل دولت آل بویه‌ی شیعی و تسلط بر خلافت عباسی ایجاد شده بود.

۳ سید محمد اشرف العلوی عاملی (۱۳۳۹) فضائل السادات، قم: شركة المعارف والأثار، ص ۳۴؛ حلی، ص ۳۴۸.

۴ شهید اول، ص ۲۱۹.

۵ برای فهم بهتر مساله رک. به: شریف محمد بن طقطقی (۱۴۱۸ق) / الاصلی فی انساب الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه؛ علی بن محمد بن صوفی (۱۴۰۹ق) / المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه؛ اسماعیل مروزی ازورقانی (۱۴۰۹ق) / الفخری فی انساب الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه؛ ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسینی (فخر رازی) (۱۴۰۹ق) / الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه.

حتی بر روند علم انساب (علم خاص شناخت سادات) نیز اثر داشته باشند. اکنون با این سابقه به بررسی موضوع در چهار دسته از منابع دوره‌ی صفویه می‌پردازیم:

الف. متون فقهی

از جمله منابعی که می‌تواند ما را برای فهم معنی سید و سیادت یاری نماید، متون فقهی شیعه در دوره‌ی صفویه است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، یکی از ابواب فقه شیعه‌ی اثنی عشری، باب زکات و خمس است. زکات و خمس، دو نوع حکم مالی هستند که شامل برخی موارد و اموال می‌شوند. در فقه، اختصاص زکات به سادات ممنوع می‌باشد ولی بخشی از خمس، سهم سادات است. در این‌جا، در پی واکاوی و تحلیل فقهی این دو موضوع نیستیم، آنچه در متون فقهی برای این پژوهش اهمیت دارد، مطالبی است که ما را به مفهوم سیادت رهنمون می‌شود.

بررسی برجسته‌ترین متون فقهی دوره‌ی صفوی، مانند؛ جامع المقاصد، تالیف شیخ علی کرکی (و. ۹۴۰هـ)، شرح لمعه، اثر معروف شهید ثانی (و. ۹۶۶هـ)، مجمع الفایده، اثر محقق اردبیلی (و. ۹۹۳هـ)، مدارک الاحکام، اثر سید محمد عاملی (و. ۱۰۰۹هـ) و کفایة الاحکام، تالیف محقق سبزواری (و. ۱۰۹۰هـ)، بیانگر رویه‌ای واحد در باب مستحقین خمس و در نتیجه، مفهوم سیادت در متون فقهی این دوره است. از نظر این فقها، سادات، همان بنی هاشم هستند که انتساب آن‌ها می‌بایست از ناحیه‌ی پدر باشد، نه مادر.^۱

ب. متون حدیثی

در این قسمت، موضوع سیادت در دوره‌ی صفویه را از منظر منابع حدیثی بررسی می‌کنیم. این منابع، برپایه‌ی احادیث، آیات و حتی ذکر مطالبی در قالب حکایات، در صدد تعریف و تبیین جایگاه سادات هستند. در این قسمت چهار منبع را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بزرگ‌ترین منبع حدیثی عصر صفویه، کتاب عظیم بحار الانوار اثر علامه مجلسی (و. ۱۱۱۰هـ) است. علامه، در جلد بیستم این کتاب، تحت عنوان «حکم من انتسب الی النبی من جهة الام فی

۱ زین الدین علی بن احمد عاملی (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق) شرح لمعه، تحقیق سید محمد کلانتر، ج ۲، قم: مکتبه‌الداوری، ص ۸۲؛ احمد بن محمد محقق اردبیلی [ابن‌نا] مجمع الفایده، تحقیق مجتبی عراقی و دیگران، ج ۴، قم: منشورات جماعة المدرسین، ص ۱۸۵؛ شیخ علی بن حسین کرکی (محقق کرکی) (۱۴۰۸ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ص ۳۳-۵۴؛ سید محمد عاملی (۱۴۱۰ق) مدارک الاحکام، ج ۵، مشهد: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ص ۲۵۷-۲۵۲؛ محمدباقر بن محمد مومن محقق سبزواری (۱۴۲۳ق) کفایة الاحکام، تحقیق شیخ مرتضی واعظی اراکی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ص ۲۱۷.

الخمس و الزکاة» احادیث زیادی نقل می‌کند که همه‌ی آن‌ها، انتساب از جانب مادر را نیز برای دریافت خمس و حرمت دریافت زکات صحیح می‌داند.^۱ آن‌چه در این جا به خوبی مشخص شده، آن است که گویا به این ترتیب علامه، سیادت از جانب مادر را محدود در نسل فاطمه^(س)، دختر پیامبر^(ص) می‌داند و نه بقیه‌ی بنی هاشم. در عین حال، وی، این مطلب را به عنوان یک حکم مکمل آورده و اصل حکم همان است که در کتب فقهی آمده بود.

منبع دیگر، کتابی است به نام فضائل السادات، تالیف میر محمد اشرف ابن عبدالحسیب عاملی (و. ۱۱۴۵هـ). وی در ابتدا، سیادت را انتساب از جانب پدر به عبدالمطلب بن هاشم می‌داند.^۲ این مطلب، در واقع تعریفی عام از سیادت است. بنابراین، مؤلف در ادامه سعی می‌کند با احتجاج در مبحث خمس، به تعریفی دقیق از سید دست یابد. او ابتدا به مباحث فقهی بحث تا قبل از صفویه اشاره می‌کند اما در ادامه به نظریه‌ی انتساب پدری یا مادری می‌پردازد. وی ضمن بیان نظرات عامه‌ی علما، به طور مفصل به شرح نظریه‌ی سید حسین مجتهد کرکی و سید احمد عاملی می‌پردازد که در مبحث پیش رو به آن خواهیم پرداخت. در همین جا، نگاهی نیز به نظریه‌ی سید مرتضی در این باب دارد.^۳ در مجموع و بر اساس قرائن موجود، مؤلف، نه به طور آشکار اما در کل، طرفدار انتساب از جانب مادری نیز هست. از جمله‌ی این قرائن، تفصیلی است که در باب نظریه‌ی سید مرتضی بیان می‌کند. به خصوص در هنگام بیان نظرات مجتهد کرکی که هم‌سو با نظر سید مرتضی است، به تمجید فوق‌العاده‌ای از وی می‌پردازد که در تمام کتاب، کم سابقه است. شبیه همین عبارات را در مورد شیخ میثم بحرانی، که پیرو همین دیدگاه است نیز، به کار می‌برد.^۴

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد از نظر مؤلف کتاب، سادات از نسل امام علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س) بر دیگران برتری دارند. این مسأله، از آن جا روشن است که اولاً در این کتاب، به احادیث و آیاتی اشاره دارد که متضمن همین نکته است. علاوه بر آن، اگر به مجموعه‌ی کتاب بنگریم متوجه می‌شویم کتاب، مشحون از آیات، احادیث و حکایت‌هایی است که فقط در باب سادات از نسل علی^(ع) و فاطمه^(س) است. در واقع عاملی، کتاب فضائل السادات را به عنوان الگویی برای مردم جهت رفتار با سادات فاطمی نوشته است.

۱ محمد باقر مجلسی (۱۳۹۸ق)، بحارالانوار، ج ۲۰، تهران: کتابخانه‌ی اسلامی، صص ۲۳۹-۲۴۵.

۲ علوی عاملی (۱۳۳۹) ص ۱۳.

۳ همان، صص ۱۸-۲۵.

۴ همان، ص ۳۳.

شیخ حر عاملی (و. ۱۱۰۴ه) نیز در کتاب الزکاة از وسایل الشیعه در باب ۳۰، با ذکر سلسله‌ی راویان حدیث به این مطلب که؛ انتساب از جانب مادر شاخص سیادت نیست، اشاره دارد و سیادت را مترادف با هاشمی می‌داند.^۱

فیض کاشانی (و. ۱۰۹۱ه) در کتاب حدیثی خود؛ الوافی، ضمن بیان روایتی از دیدار زنان بنی هاشم با پیامبر^(ص) برای دریافت صدقه و زکات و جواب پیامبر مبنی بر نهی آن‌ها از دریافت زکات، تلاش می‌کند به طور ضمنی، سیادت را مترادف با بنی هاشم بداند و آن‌را به نسب از جانب مادر نیز توسعه دهد.^۲ البته در این حدیث به روشنی مشخص نیست که آیا این زنان، فرزندان اولاد ذکور بنی هاشم هستند یا اولاد اناث، اما آن‌چه به روشنی بحث کمک می‌کند، جواب پیامبر است که زکات را برای همه‌ی بنی هاشم حرام می‌داند.

آن‌چه در این قسمت قابل توجه است، این‌که در این متون، شاهد نوعی وحدت رویه در باب مفهوم سیادت نیستیم. علامه مجلسی و سید محمد اشرف، سیادت را انتساب از جانب پدر یا مادر (فقط حضرت زهرا) به بنی هاشم می‌دانند و قائل به رجحان سادات فاطمی بر دیگر سادات هستند، اما شیخ حر عاملی پیرو نظر عامه‌ی فقهاست و فیض کاشانی نیز، اگر چه به طور ضمنی، به انتساب مادری نگاهی دارد اما سادات را همان مطلق بنی هاشم فرض می‌کند.

ج. متون جدلی

در این قسمت از مقاله، به بررسی متونی می‌پردازیم که به نوعی اختصاصی، گویا برای پاسخ‌گویی به مفهوم سیادت در دوره‌ی صفویه، نگارش یافته‌اند.

در دوره‌ی صفویه در ارتباط با موضوع سیادت، سه رساله نوشته شده است. یکی رساله‌ای است به نام؛ «رسالة فی سیادة المنتسب بالام الی بنی هاشم» که گویا تالیف میرداماد (و. ۱۰۴۱ یا ۱۰۴۰ه) است.^۳ رساله‌ی دوم، تحت عنوان؛ «الاشراف علی سیادة الاشراف»، تالیف سید حسین بن مجتهد کرکی (و. ۱۰۰۱ه) است و رساله‌ی سوم که مختصرتر از این رساله است، با نام؛

۱ شیخ محمد حسن حرعاملی (۱۴۱۱ق) تفصیل وسایل الشیعه، ج ۹، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ص ۲۷۱.
۲ محمد محسن فیض کاشانی (۱۳۶۸) الوافی، تحقیق ضیاء‌الدین حسین اصفهانی، ج ۱۰، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علیه السلام، ص ۱۹۳.

۳ به نام این رساله و موضوع آن که اثبات انتساب از جانب مادر برای سیادت است، در منابعی مانند الذریعه و برخی منابع دیگر اشاره شده است اما متأسفانه جستجو برای یافتن آن در مراکز اسناد و یا نزد اشخاص بی‌نتیجه ماند. رک به: شیخ آقابزرگ طهرانی [بی‌تا] الذریعه الی تصانیف الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۵، قم: موسسه‌ی اسماعیلیان، ص ۶۹؛ شیخ یوسف بحرانی [بی‌تا] لؤلؤة البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، قم: موسسه آل البيت للطباعة والنشر، ص ۱۳۴.

«رسالة فی اولاد البنات» یا «اثبات سیادة اولاد الاناث» تالیف سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (زنده تا سال ۱۰۶۰هـ) بازشناسی شده است. این رساله‌ها، همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست، در صدد اثبات سیادت از جانب مادر هستند.

رسالة الاشراف علی سیادة الاشراف نوشته‌ی سید حسین مجتهد کرکی، با بزرگداشت آل هاشم و آل عبدمناف آغاز شده است.^۱ نویسنده، سپس هدف از نگارش رساله را، اثبات درستی این ادعا^۲ و جلوگیری از انحراف به وجود آمده، می‌داند. کرکی، سپس سعی می‌کند ضمن بیان معنای لغوی سید، عوامل ایجاد کننده‌ی سیادت را بررسی نماید.^۳ آن‌گاه، در پی آن است تا مهم‌ترین مصداق سیادت، یعنی انتساب به هاشم بن عبدمناف را شرح دهد و از همین جا، سعی در اثبات نظر فوق‌العاده‌ی خود دارد. وی ضمن ذکر نام عبدالمطلب و دو فرزندش؛ ابوطالب و عبدالله، به دنبال آن است تا با کمک احادیث و روایات، این دو برادر را برتر از بقیه‌ی فرزندان عبدالمطلب نشان دهد و پس از آن، خواننده را به این نتیجه برساند که سادات فاطمی، چون از دو جهت به دو بزرگ (علی بن ابی‌طالب و فاطمه بنت محمد بن عبدالله) می‌رسند، بنابراین بر بقیه‌ی بنی هاشم برتری دارند. در ادامه نیز در تلاش است با ذکر محاسن ابوطالب، اولاد او را به جهت آن‌که مادرشان نیز هاشمی است، برتر از بقیه نشان دهد.^۴ در همین رابطه، با برجسته کردن حضرت علی^(ع) از میان بقیه، به ذکر اولاد او تا امام دوازدهم می‌پردازد. البته در ادامه به همه‌ی آن‌ها جداگانه، پیشوند سید داده و آن‌ها را به عنوان هاشمی، طالبی، علوی، فاطمی، حسنی، حسینی و ... معرفی کرده است. در ادامه نیز به این مطلب اشاره دارد که در عرف علما و بزرگان شیعه، سید، همان هاشمی است و این مطلب، بر پایه‌ی تعلق نگرفتن خمس به آن‌ها، استوار است. کرکی، سپس به این مطلب اشاره دارد که در اصطلاح عامه، سید به کسی گویند که فرزند فاطمه^(س) باشد و لاغیر، زیرا سیادت از جانب او به پیامبر رسیده است. مؤلف از همین جا، خیلی زود به این نتیجه می‌رسد که از این رو، انتساب سیادت از جانب مادر بسیار واضح است. کرکی، این ادعا را در مقابل عرف عامه‌ی بعضی بلاد، خصوصاً بلاد عجم می‌یابد که سیادت به انتساب از جانب پدر است. او، سپس دلیل مخالفان را این

۱ سید حسین مجتهد کرکی [بی‌تا] رسالة الاشراف علی سیادة الاشراف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی در قالب یک مجموعه به زبان عربی به شماره‌ی ۳۹۸۸/۹، صص ۵۷۹-۶۳۴.

۲ صحت انتساب سیادت مادری.

۳ کرکی [بی‌تا] ص ۵۸۰.

۴ همان، صص ۵۸۲-۵۸۳.

می‌داند که منتسب از جانب مادر به هاشم را شریف می‌دانند، سپس با کاربرد استدلال‌های صرفی و نحوی در احادیث توسط سید مرتضی، این معنی را بیان می‌کند که در قرون اولیه، علی‌الخصوص در منطقه‌ی حجاز، شریف همان سید بوده است.^۱

کرکی، سپس به مدعای «النسبة و العلاقة فی الانتساب الابوی، اشد و اقوی منه فی الامی» می‌پردازد. او برای رد این ادعا می‌نویسد؛ شرف و برتری از هر دو طرف منتقل می‌شود و نتیجه می‌گیرد، چون اولاد علی^(ع) و فاطمه^(س) از هر دو طرف، صاحب سیادت و شرف هستند، بنابراین استحباب نزد شیعه، بنی فاطمه بر بقیه‌ی هاشمیین بنی علی و سپس بر باقی طالبیین و سپس بر باقی بنی هاشم، در گرفتن خمس رجحان دارند. کرکی در ادامه به دلایل زیستی متوسل می‌شود و استدلال می‌کند که در تولد فرزند، تنها پدر دخیل نیست و شاید مادر سهم بیش‌تری نیز داشته باشد، از همین رو، شرافت هر کس ذو جهتین است. کرکی، نه ماه نگه‌داری جنین در رحم مادر و شیر دادن نوزاد را، به عنوان شاهد بیان می‌کند، همین بحث یک‌بار دیگر نیز مورد استفاده او قرار گرفته است.^۲

مجتهد کرکی برای اثبات سخن خود، حتی به ماجرای تولد عیسی در قرآن بدون پدر نیز اشاره می‌کند و از آن نتیجه می‌گیرد که اولاد مادری نیز، جزء ذراری هستند، بنابراین سیادت بنی هاشم از جانب مادر نیز قابل قبول است.^۳

مناظره‌ی هارون عباسی و امام موسی کاظم و همچنین ماجرای مباحله نیز دلایل دیگری هستند که او برای اثبات نظر خود، ارائه کرده است.^۴

همان‌طور که اشاره شد، سید احمد عاملی نیز در رساله‌ای مختصر، در پی اثبات همین مدعا است. رساله، با بیان مساله و اهمیت بحث آغاز می‌شود. مولف، اهمیت بحث را در این می‌بیند که سادات در بحث انتقال اموال و ارث، همه‌ی اموال را به فرزندان ذکور می‌بخشند و دختران سهمی از ارث نمی‌برند. این مساله تا جایی است که اگر فرزند پسر نداشته باشند، آن‌ها را به فردی مذکر از نزدیکان خود می‌دهند اما به دختر خود نمی‌دهند. مولف، سپس در صدد نفی این رفتار است. او این تفکر را که تنها پسر جز اولاد و اقرباء یک فرد است، رد می‌کند و این تفکر را برگرفته از تفکرات جاهلی می‌داند که حتی در اشعار جاهلی نیز بروز یافته است. در

۱ همان، صص ۵۸۶-۵۸۷.

۲ همان، صص ۵۸۷-۵۸۹.

۳ همان، ص ۶۱۲.

۴ همان، صص ۶۱۶-۶۱۸.

سطحی دیگر نیز، این تفکر را تفکر کسانی می‌داند که حسن و حسین را اولاد پیامبر نمی‌دانند زیرا آن‌ها فرزند دختر او هستند، نه فرزند پسرش.^۱

مؤلف پس از این مقدمات، در صدد است تا با یک رشته دلایل قرآنی، در پی جواب برآید. اولین اشاره‌ی او به ماجرای مباحله در قرآن است. در ماجرای مباحله، حضرت علی^(ع)، حضرت فاطمه^(س)، حسن و حسین، در کنار پیامبر^(ص) بوده‌اند. مؤلف براساس همین حادثه و استناد به واژه‌ی «ابناءنا» در این آیه^۲، حسن و حسین را فرزندان پیامبر^(ص) معرفی می‌کند. مؤلف سپس خواننده را با این سوال مواجه می‌کند که آیات قرآن مهم‌تر هستند یا اشعار جاهلی؟ در ادامه باز هم به کمک قرآن، در صدد اثبات نظر خود می‌باشد. این بار، او نیز مانند مجتهد کرکی ماجرای تولد حضرت عیسی را مورد توجه قرار می‌دهد. عاملی به کمک آیات قرآن و این که حضرت عیسی فقط صاحب مادر است، نتیجه می‌گیرد که در انتساب لفظ ذریه، تنها نسب پدری ملاک نیست.^۳ در ادامه نیز با اشاره به ماجرای مناظره‌ی حضرت امام موسی کاظم با هارون، در پی اثبات این نظر است که اولاد حضرت علی^(ع) اولاد پیامبر نیز هستند.^۴ مؤلف در ادامه، چند حکایت دیگر از صدر اسلام را قوام بخش مدعای خود می‌داند.

از مجموع بررسی این دو رساله، می‌توان دو نکته را دریافت؛ اول آن که هر دو، به لحاظ گستره‌ی مفهومی، سیادت را با مفهوم سید فاطمی مترادف می‌دانند. دوم آن که به لحاظ نحوه‌ی انتساب سیادت، هم به نسبت پدری معتقدند و هم به نسبت مادری اما منظور آن‌ها از انتساب مادری، انتساب از جانب حضرت زهرا^(س) به پیامبر اسلام است نه دیگر زنان بنی هاشم.

د. متون نسب‌نگاری

اشاره شد که متون نسب‌نگاری، همپای پدیده‌ی سیادت، در طول تاریخ نگارش یافته‌اند. در دوره‌ی مورد بحث نیز شاهد شکل‌گیری این منابع هستیم. در این قسمت از مقاله، برای پرهیز از اطاله‌ی کلام، تنها به دو مورد از مهم‌ترین متون نسب‌نگاری این دوره اشاره می‌کنیم. دو کتاب مورد بحث؛ یکی کتاب «سراج الانساب» و دیگری «رسالة الاسدیة فی انساب السادات

۱ سید احمدین زین العابدین علوی عاملی [بی‌تا] رسالة فی اولاد البنات، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، بخشی از یک مجموعه به زبان عربی به شماره‌ی ۹۴۶۴/۲۸، صص ۲۹۴-۲۹۵.

۲ آل عمران، ۶۱.

۳ علوی عاملی، نسخه خطی، ص ۲۹۷.

۴ همان، ص ۲۹۸.

العلویة» است. در این قسمت، با تحلیل متنی و مفهومی این دو منبع، مساله را واکاوی می‌کنیم. کتاب سراج الانساب، تألیف احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیا گیلانی است که در قرن ۱۰ هجری می‌زیسته است. نویسنده، خود، از سادات آل کیا است. به لحاظ زمانی، این کتاب در دوره‌ی شاه تهماسب صفوی نوشته شده است. ویژگی خاص این دوره، نمود فوق‌العاده‌ی خاندان‌های سادات در جامعه است، برای مثال کتاب‌هایی مانند؛ وقایع السنین و الاعوام، خلاصه‌التواریخ، تاریخ عالم آرای عباسی و خلدیرین، در فصلی مبسوط به سادات می‌پردازند.

مؤلف کتاب، ابتدا با ذکر نسب صفویان و ارتباط آن با امام موسی کاظم^(ع)، به شرح تاریخ صفویان از اجداد شاه اسماعیل اول تا دوره‌ی شاه تهماسب می‌پردازد. پس از آن، نسب حضرت علی^(ع) را شرح می‌دهد. در این بخش او ضمن بیان اجداد علی بن ابی‌طالب، فرزندان ایشان را نیز نام می‌برد. آن‌گاه با ذکر نام اولاد امام حسن^(ع)؛ فرزند بزرگ امام علی^(ع)، به تدریج در هر شاخه به ذکر نوادگان و اعقاب ایشان، اشاره می‌کند. در ادامه، مؤلف سعی می‌کند در هر شاخه از اولاد امام حسن، تا آن‌جا مطلب را ادامه دهد که به دوران خودش یعنی قرن دهم هجری اتصال یابد و عموماً به جغرافیای تاریخی صفویان مربوط باشد. در همین مرحله، او به تشریح خاندان‌های سادات در ایران و پراکندگی جغرافیایی آن‌ها می‌پردازد. پس از آن، به همین ترتیب نسل امام حسین^(ع)؛ پسر دوم امام علی^(ع) را معرفی می‌کند.

مؤلف تا این‌جا به شجره‌ی سادات فاطمی می‌پردازد. فصول انتهایی این کتاب، به شکلی مختصر، به ساداتی اختصاص یافته که از لحاظ انتساب پدری، به علی^(ع) ارتباط می‌یابند اما مادرشان کسی غیر از حضرت فاطمه^(س) است که اصطلاحاً به آن‌ها سید علوی می‌گویند. در واقع در این فصول به نسل و اعقاب محمد حنفیه، عباس و عمر اطرف پرداخته شده است.^۱ قابل توجه است که سادات علوی به ندرت در ایران پراکنده و ساکن گردیده‌اند.

منبع دیگر در باب نسب‌شناسی سادات در این دوره که نزدیک به کتاب سراج الانساب نوشته شده، رساله‌ای است با عنوان الاسدیة فی انساب السادات العلویة. نویسنده‌ی این رساله، سید سراج الدین محمد قاسم حسینی مختاری عبیدلی سبزواری است. او، از سادات مختاری سبزواری در این دوره می‌باشد. این رساله در قرن ۱۰ هجری، مصادف با حکومت شاه تهماسب صفوی و به نام سید میر اسدالله شوشتری، صدر شاه تهماسب، نوشته شده است.

۱ ر.ک. به: احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیا گیلانی (۱۴۰۹ق)، سراج الانساب، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه‌ی عمومی آیه الله مرعشی.

مؤلف، در ابتدای کتاب خود به نسب شاه تهماسب اشاره دارد و سپس به بیان تاریخ مختصری از همین دوره می‌پردازد. چیدمان این کتاب در باب انساب سادات، مانند کتاب سراج الانساب است؛ یعنی ابتدا به اعقاب امام حسن و سادات از نسل ایشان و سپس به اعقاب امام حسین و ساداتی که از نسل ایشان هستند، می‌پردازد. تنها تفاوت در این است که مختصرتر از کتاب قبلی به بیان سلسله‌ی سادات و پراکندگی جغرافیایی آن‌ها پرداخته است. فصول سوم، چهارم و پنجم نیز به اختصار به نسل محمد حنفیه، عباس و عمر اطرف، اختصاص یافته است.^۱

در این بخش چند نکته می‌تواند مورد توجه و استفاده قرار بگیرد: اول این که در هر دو کتاب، منظور از اولاد و نسل، اولاد و نسل از ناحیه‌ی پسران است و نه دختران. در واقع می‌توان گفت؛ علم نسب‌شناسی در این دوره، مانند قرون گذشته، بر پایه‌ی انتساب پدری استوار است. در همین رابطه، مثلاً نویسنده‌ی سراج الانساب، عقب ابراهیم الغمر بن حسن المثنی بن امام حسن می‌گوید: «و او را از یک پسر، نسل است...»^۲ و یا در ذکر اولاد حسن مثنی، در رساله‌ی اسدیه آمده است: «... اولاد حسن مثنی پنج است، عبدالله محض، ابراهیم الغمر، حسن المثلث، جعفر و داود.»^۳

دوم این که در این دو منبع و دیگر منابع نسب‌شناسی این دوره، شاهد نوعی تحدید در باب شجره‌ی سادات و مصداق سیادت هستیم. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ما در قرون قبل از برآمدن صفویان، سیادت را در تمام اولاد پسری ابوطالب می‌بینیم. شاهد این مساله، کتاب‌های فراوانی است که در باب انساب طالبین نوشته شده است، اما در این دوره، سیادت به فرزندان علی بن ابی‌طالب محدود می‌شود. در واقع سیادت، تنها در نسل یکی از فرزندان ابوطالب ادامه می‌یابد.

سوم آن که در میان نسل فرزندان پنج‌گانه‌ی حضرت علی^(ع) نیز، شاهد نوعی تفاوت نگرش از جانب دو نسابه فوق هستیم، به طوری که در هر دو کتاب، تفصیل فوق‌العاده‌ای در باب اعقاب امام حسن و امام حسین وجود دارد، اما توجه هر دو کتاب به اعقاب محمد حنفیه، عباس و عمر اطرف بسیار مختصر است. در حالی که در باب فرزندان منقطع‌النسب از نسل امام حسن و امام حسین، تا حدود اندکی پیرو نسابه‌های قبل از خود مانند ابن طقطقی، امام

۱ ر.ک. به: سید سراج الدین محمد قاسم حسینی مختاری عبیدلی سبزواری (۱۳۹۳ق) *الاسدیه فی انساب السادات العلویة*، تحقیق سید شهاب الدین مرعشی، قم: ناشر حاج میرزا محمد صابری تبریزی.

۲ کیاگیلاتی، ص ۴۸.

۳ مختاری، ص ۱۶.

فخر رازی، نویسندگان کتب المجدی و الفخری هستند که بنیان کار آن‌ها به‌شمار می‌رود، در باب نسل سه فرزند دیگر امام علی^(ع)، نه تنها به اختصار روی آورده‌اند بلکه با دقت بیشتری به شجره‌های مشکوک و منقطع پرداخته‌اند.^۱ البته شاید بتوان این کار را تعمدی دانست بلکه باید به این واقعیت توجه کرد که ایران در این دوره، در یک واحد جغرافیایی مستقل از جهان اسلام و زیر نظر یک حکومت واحد بود. به همین خاطر، حیظه‌ی کار یک نسابه نیز بالطبع در همین واحد جغرافیایی قرار می‌گرفت. به این ترتیب، می‌توان نپرداختن به سادات غیر فاطمی را در این دوره، تا حدودی معلول این امر دانست که پراکندگی نسل آن‌ها در جغرافیای ایران به اندازه‌ی سادات حسنی و حسینی نبوده، کم‌تر مورد توجه نسب‌شناسان ایران قرار گرفته است.

واقعیت مفهوم سیادت در دوره‌ی صفویه

همان‌طور که ملاحظه شد، منابع فقهی، حدیثی، جدلی و نسب‌نگاری در دوره‌ی صفویه، به عنوان مراجع اصلی در تبیین مفهوم سید و سیادت، دارای انطباق کاملی بر هم نبودند. در این قسمت، تلاش می‌کنیم با وجود تنوع آراء در باب گستره‌ی مفهوم و نحوه‌ی انتساب سیادت، بدانیم چه تعریفی با مفهوم واقعی سیادت در این دوره، هم‌خوانی دارد؟

برای نیل به این مقصود، دو راه وجود دارد:

الف. تکیه بر اصول یا عناصری ثابت

ب. توجه به تکرار موارد مشابه و تطبیق آن، با عناصر بند پیشین

دقت در تاریخ دوره‌ی صفویه، نشان می‌دهد؛ منصب صدر، از مهم‌ترین مناصب این دوره است. به گواهی منابع، این منصب، از میانه‌ی حکومت شاه اسماعیل اول، به منصب اختصاصی سادات بدل شد. این امر، مصادف با صدارت میر سید شریف شیرازی بود.^۲ از صدور دیگر این دوره، می‌توان به میر عبدالباقی یزدی، غیاث الدین منصور دشتکی، میراسدالله شوشتری، میرنعمت‌الله حلی و ... اشاره کرد. حال اگر این اسامی را در متون نسب‌نگاری این دوره جستجو کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که همه‌ی آن‌ها به لحاظ تقسیم‌بندی‌های نسب‌شناختی، سید فاطمی

۱ کیابیلانی، صص ۱۷۲-۱۷۵؛ بمختاری، صص ۱۰۳-۱۰۹.

۲ قاضی احمد بن شرف الدین حسین حسینی قمی (۱۳۵۹) خلاصه‌التواریخ، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۰۰-۱۰۱؛ سید عبدالحسین حسینی خاتون آبادی (۱۳۵۲) وقایع السنین و الاعوام، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ص ۴۴۷؛ اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷) تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب، ص ۲۲۹.

هستند. برای جلوگیری از اطناب بحث، تنها به یک مورد اشاره می‌شود؛ اگر نام میر سید شریف شیرازی را در کتاب الاسدیة بنگریم، سلسله‌ی نسب او از ناحیه‌ی پدری، به امام حسن^(ع) می‌رسد.^۱ صدارت تا پایان این عصر، اختصاص به سادات داشت. در این بین، تمام سادات، فاطمی و منتسب از ناحیه پدر هستند. این افراد با پیشوندهایی چون؛ سید، میر، میر سید، شاه و میرزا؛ باز شناسی می‌شوند.

اکنون، می‌توان این مساله را در منابع تاریخی و غیر تاریخی پیگیری کرد. یکی از این منابع، کتاب تاریخ عالم آرای عباسی است که به لحاظ شمول بحث، منابع و بسیاری ملاک‌های دیگر، از جمله مشهورترین منابع این عصر است. در بخشی از این کتاب، تحت عنوان «ذکر سادات رفیع القدر و المنزلة والشان»^۲، به شرح زندگی برخی سادات پرداخته است که از قرینه‌ی نام برخی صدور این عصر و تطبیق آن با مبحث پیشین، می‌توان گفت همه‌ی آنها، سید فاطمی از ناحیه‌ی پدر هستند. ساداتی چون میرداماد، میر ابوالولی انجوی، میر محمود خلیفه سلطانی، میرزا مخدوم شریفی، میر سید علی مرعشی شوشتری، میر محمود مختاری و ... همه، از زمره‌ی سادات استرآبادی، خلیفه سلطانی، مرعشی، انجوی، شریفی و مختاری هستند که همه‌ی این خاندان‌ها، سید فاطمی محسوب می‌شوند.

واله اصفهانی نیز در کتاب خلد برین، در بخشی مستقل به نام؛ «در ذکر سادات عالی درجات»، به شرح احوال برخی از مشهورترین افراد خاندان‌های سادات مرعشی، خلیفه سلطانی، انجوی، کرکی، شریفی و استرآبادی و ... پرداخته است.^۳

منابع غیر تاریخی معتبر این عصر، چون؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، امل الآمل، تذکره‌های فارسی و ... مانند قبل، شامل نام افرادی با القاب بیان شده است. قراین فوق، موید آن است که در این دوره، سید به کسی می‌گفتند که با انتساب پدری به حضرت علی^(ع) می‌رسید و مادرش نیز فاطمه^(س) بود.

قرینه‌ی دیگری که می‌تواند به عنوان اصلی عینی، مکمل این مبحث باشد؛ توجه به عنصر وقف است. در دوره‌ی مورد بحث، با موارد زیادی از اموال و املاک وقفی مواجه هستیم که دقت در وقف‌نامه‌های آنها، به عنوان اسناد رسمی آن زمان، روح حاکم بر جامعه را به خوبی

۱ مختاری، صص ۲۸-۲۹.

۲ منشی، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۴۳.

۳ محمدیوسف واله اصفهانی (۱۳۷۲) خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۴۱۲-۴۲۸.

به تصویر می‌کشد. یکی از این موارد، وقف‌نامه‌ی مشهور شاه عباس است. وی در میانه‌ی دوران حکومت خود، تصمیم گرفت تا بخش زیادی از اموالش را وقف کند. بخشی از عواید این موقوفات، متعلق به سادات بود. آنچه به عنوان شروط سادات مورد بحث در این وقف‌نامه، مطرح شده است را می‌توان به عنوان روح حاکم بر جامعه‌ی آن زمان در باب معنای سیادت، تلقی کرد. این سادات، می‌بایست حسنی یا حسینی باشند که مترادف با همان مفهوم سید فاطمی است.^۱ وقف‌نامه‌ی دیگری نیز از شاهزاده سلطانم یا مهین بانو، دختر فاضله‌ی شاه تهماسب اول موجود است که طبق آن، واقف بسیاری از اموال و املاک خود را وقف ساداتی نموده که می‌بایست طبق شروط وقف، سید فاطمی باشند.^۲

علاوه بر مساله‌ی وقف، وقوع حوادثی در همین دوره به خوبی مبین اقبال حاکمان صفوی نسبت به سادات فاطمی و بی‌توجهی آن‌ها به دیگر سادات است. یکی از این موارد، سرکوب شاهوردی خان عباسی در منطقه‌ی لرستان، در دوره شاه‌ی عباس اول است. اسکندر بیگ منشی - که کنابش بیانگر مواضع حکومت صفوی است - در همین رابطه بیان می‌کند که شاهوردی خان، خود را در زمره‌ی سادات عباسی (منتسب به عباس بن علی^(ع)) قرار داده است که از نظر مولف، محل اشکال است اما به هر حال، در منطقه‌ی خود به سیادت شهرت داشته و مورد احترام است. سرانجام وقتی او توسط حکومت مرکزی سرکوب می‌گردد، اسکندر بیگ، طعنه‌وار، او را سید مجازی می‌داند نه حقیقی.^۳

در پایان همین عصر است که میر محمدحسین خاتون آبادی، به صراحت، سید را مترادف با سید فاطمی در نظر می‌گیرد.^۴

نتیجه

نتیجه‌ی نهایی این پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. در این دوره، نگاه فقهی، حدیثی، جدلی و نسب‌نامه‌ای در باب معنی سید و سیادت، متنوع بوده و هم‌خوانی کاملی با هم ندارد.

۱ حسن بن مرتضی استرآبادی (۱۳۶۴) / از شیخ صفی تا شاه صفی، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی، صص ۱۳۵-۱۳۷.

۲ قاضی حسینی قمی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۳ منشی، ج ۲، صص ۷۳۸ و ۸۶۴-۸۶۵.

۴ محمدحسین بن صالح خاتون آبادی [بی‌تا] / احوال العلماء من اقارب المؤلف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به زبان فارسی در قالب یک مجموعه به شماره‌ی ۱/۷، ۵۵۰، ص ۲۳۹.

عموم فقهای عصر صفوی، به لحاظ گستره‌ی مفهوم سیادت، سید را برابر مفهوم کلی هاشمی مدنظر دارند. به لحاظ نحوه‌ی انتساب نیز عموماً معتقد به نسبت پدری هستند. در متون حدیثی، شاهد وحدت رویه‌ی مشخصی نیستیم. به لحاظ گستره‌ی مفهوم، بخشی از منابع این دوره به مفهوم هاشمی اعتقاد دارند. برخی نیز سیادت را محدود به سیادت فاطمی می‌دانند. به لحاظ نحوه‌ی انتساب نیز، برخی تنها پیرو نسب پدری هستند و برخی نسب مادری را نیز پذیرفته‌اند. البته آن‌ها نسب مادری را تنها در باب اولاد حضرت فاطمه^(س) صحیح می‌دانند. متون جدلی این عصر، با نگاهی ویژه به این بحث، در پی اثبات عقلی و روایی انتساب به مادر برای اثبات سیادت به موازات انتساب پدری هستند. به همین ترتیب، منابع فوق، سادات فاطمی را برجسته‌تر از بقیه‌ی سادات، قلمداد می‌کنند.

در این بین، متون نسب‌نامه‌نگاری این عصر، روندی معنادار را نشان می‌دهند. این متون هر چند در باب شیوه‌ی انتساب پیرو سنت همیشگی خود (انتساب پدری) هستند، در باب گستره‌ی سیادت، از الگویی کیفی و محدودساز پیروی می‌کنند. این متون که قبل از دوره‌ی صفویه به تدریج، مفهوم سیادت را از مفهوم هاشمی به طالبی و از طالبی به علوی محدود کرده بودند، در این دوره باز هم به طور آشکاری، آن را به مفهوم سید فاطمی، یعنی کسانی که از ناحیه‌ی پدری به حضرت علی بن ابی‌طالب و از ناحیه‌ی مادری به حضرت زهرا منتسب می‌شوند، نزدیک و عملاً گستره‌ی مفهوم سیادت را محدودتر از قبل کردند.

۲. توجه و دقت در متون تاریخی عصر صفوی، که انعکاس دهنده وضعیت موجود و واقعی آن دوره‌اند، و جستجو در پدیده‌های ثابت و مشخصی چون مقام صدر و عنصر وقف به عنوان اسناد رسمی آن دوره و تطبیق آن با داده‌هایی در باب سادات، نشان می‌دهد که در عمل، مفهوم سیادت برابر و منطبق بر مفهوم سید فاطمی است. لذا در این دوره، سید به کسی می‌گویند که از ناحیه‌ی پدر به حضرت علی منتسب باشد و از ناحیه‌ی مادر به حضرت فاطمه، که اصطلاحاً به این گونه سادات، سید فاطمی می‌گویند. این تعریف با دیدگاه متون نسب‌نامه‌نگاری این دوره - که روندی محدود کننده را در باب مفهوم سیادت در پیش گرفته بودند - نیز انطباق نسبتاً کاملی دارد. می‌توان گفت در واقعیت دوره‌ی صفوی، فرآیند بسط و قبض مفهوم و مصداق سیادت که از صدر اسلام آغاز شده بود به مضیق‌ترین گونه‌ی خود رسید. تحول مفهوم و مصداق سیادت با وجود تنوع نظری در متون مختلف، در عمل، بیانگر روندی محدود شونده، بوده است.

منابع

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۵ق) المقنع، قم: موسسه امام هادی.
- ابن صوفی، علی بن محمد (۱۴۰۹ق) المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه.
- ابن طقطقی، شریف محمد (۱۴۱۸ق) الاصلی فی انساب الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه.
- اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد [بی تا] مجمع الفایده، تحقیق مجتبی عراقی و دیگران، قم: منشورات جماعة المدرسین.
- استرآبادی، حسن بن مرتضی (۱۳۶۴) از شیخ صفی تا شاه صفی، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی.
- بحرانی، شیخ یوسف [بی تا] لؤلؤ البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: موسسه آل البيت للطباعة والنشر.
- حر عاملی، شیخ محمد حسین (۱۴۱۱ق) تفصیل وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین (۱۳۵۲) وقایع السنین و الاعوام، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین حسین (۱۳۵۹) خلاصه التواریخ، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی مختاری عیبدلی سبزواری، سید سراج الدین محمد قاسم (۱۳۹۳ق) الاسدیة فی انساب سادات علویه، تحقیق سید شهاب الدین مرعشی، قم: نشر حاج میرزا محمدصابری تبریزی.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۳۵۸) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ترجمه ابوالقاسم بن احمدی، تهران: دانشگاه تهران.
- خاتون آبادی، محمد حسین بن صالح [بی تا] احوال العلماء من اقارب المؤلف، نسخه خطی به زبان فارسی در قالب یک مجموعه: کتابخانهی مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۵۰۱/۷.
- طبرستانی (فخر رازی)، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین (۱۴۰۹ق) الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه.
- طوسی، محمد بن حسین (۱۴۰۰ق) الاقتصاد، تهران: منشورات مکتبه جامع چهلستون.
- طهرانی، شیخ آقابرگ [بی تا] الذریعة الی تصانیف الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، قم: موسسه اسماعیلیان.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین علی بن احمد (۱۴۱۰ق) شرح لمعه، تحقیق سید محمد کلاتر، قم: مکتبه الداوری.
- عاملی، سید محمد (۱۴۱۰ق) مدارک الاحکام، مشهد: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- العکبرایی البغدادی، ابو عبدالله محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۰ق) المقنعه، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- علوی عاملی، سید احمد بن زین العابدین [بی تا] رساله فی اولاد البنات، نسخه خطی به زبان عربی در قالب یک مجموعه: کتابخانهی مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۴۶۴/۲۸.
- العلوی عاملی، سید محمد اشرف (۱۳۳۹) فضائل السادات، قم: شركة المعارف والآثار.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۶۸) الوافی، تحقیق ضیاء الدین حسین اصفهانی، اصفهان: مکتبه الامام

- اميرالمؤمنين عليه السلام.
- کرکی (مجتهد)، سيد حسين [بی تا] الاشراف على سيادة الاشراف، نسخه‌ی خطی به زبان عربی در قالب یک مجموعه: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۹۸۸/۹.
 - کرکی (محقق کرکی)، شيخ على بن حسين (۱۴۰۸ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
 - کیا گیلانی، احمد بن محمد بن عبدالرحمن (۱۴۰۹ق) سراج الانساب، تحقیق سیدمهدي رجایی، قم: کتابخانه‌ی عمومی آية الله مرعشی.
 - مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸ق) بحار الانوار، تهران: کتابخانه‌ی اسلامی.
 - محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن (۱۴۲۳ق) کفایة الاحکام، تحقیق شيخ مرتضی واعضی اراکی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
 - مروزی ازورقانی، اسماعیل (۱۴۰۹ق) الفخری فی انساب الطالبین، تحقیق سید مهدي رجایی، قم: مکتبه آية الله مرعشی العامة.
 - مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدين [بی تا] البیاز، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
 - منشی، اسکندر بیگ (۱۳۷۷) تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
 - واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲) خلدبرین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی